

پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۴۳-۱۱۵

مطالعه تطبیقی مقررات کیفری عبرانی و حمورابی

حسین حیدری* - جنت خاکسار آرانی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰)

چکیده

حد فاصل میان دوران توحش و دوران تمدن را ابداع خط همجنین آیین دادرسی، به‌ویژه در حقوق عمومی می‌دانند. بیگمان در هر دو زمینه، بین‌النهرین مهم‌ترین گهواره تمدن بشری است. از یک سو با کشف کتیبه‌ی حمورابی این دیدگاه به اثبات رسید که قانون‌نامه‌ی حمورابی بهترین مجموعه‌ی به‌جا مانده و مفصل‌ترین آن در نوع خود است که از خاورمیانه‌ی باستانی می‌شناسیم.

از سوی دیگر، اگرچه تاریخ زندگی حضرت موسی را میان ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م تخمین زده‌اند، اما اسناد مکتوب قدیمی‌ترین بخش‌های آن یعنی اسفار خمرسه حداکثر به حدود ۹۰۰ ق.م در منطقه فلسطین باز می‌گردد.

این مقاله تشابه قوانین حمورابی و یهودیت را در زمینه‌هایی از قبیل: مجازات جادوگری، سنگسار مرتکب زنا، محصنه، قصاص عضو و ... را می‌نماید و تشابه اساطیر این دو خاستگاه تاریخی - مانند طوفان نوح - را نشان می‌دهد. در عین حال به تفاوت‌های جزئی قانون حمورابی با احکام یهودیت در زمینه‌هایی مانند مجازات نیابتی، حقوق زنان و ... نیز توجه دارد. با مشاهده‌ی این شباهت‌های چشمگیر، می‌توان گفت قانون‌نامه‌ی حمورابی پیش‌نمونه‌ی قوانین یهود است.

کلمات کلیدی: احکام یهودیت، قانون‌نامه‌ی حمورابی، بین‌النهرین باستان، تاریخ یهود

* استادیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی ادیان و عرفان، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

Email: zkhaksar@ymail.com

مقدمه

از هنگامی که بشر قدم بر این عرصه‌ی خاکی و زندگی اجتماعی گذاشت، کوشید تا روابط خود را با هم‌نوعان خود تنظیم کند. نظام‌های دینی و الهی نیز، علاوه بر مناسک و شعائر که به رابطه‌ی انسان و خدا نظارت می‌کند، مجموعه‌ای از قوانین را به‌وجود آوردند که به نحوه‌ی تعامل و رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر ناظر است.

همچنین از زمانی که انسان‌ها برای زندگی گرد هم آمدند بزهکاری نیز وجود داشته است. کتیبه‌ی اسپانیایی موجود در رمیجیا^۱ نزدیک شهر والانس، متعلق به دوره‌ی پیش از تاریخ که صحنه‌ی اجرای مجازات اعدام را نشان می‌دهد، مؤید آن است و می‌توان حدس زد که در همان زمان آثاری از آموزه‌ی کیفری می‌بایست وجود داشته باشد. پس از آن و بعدها متونی همچون تورات (به‌ویژه در سفر تثبیه و اعداد)، قانون حمورابی یا قانون هیتیه‌ها پدید آمدند که حاوی مقررات کیفری بودند، بعد از این دوره کم‌کم نخستین آموزه‌های کیفری پدیدار شد (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۱۶). یعنی کم‌کم هر شهر و حکومتی برای اداره کردن جامعه‌ی خود یک سری قواعد و قوانینی را تنظیم کرد. آموزه‌های کیفری یعنی قوانینی که وضع شده‌اند تا با اجرای آن‌ها جامعه نظم و امنیت داشته باشد و دچار هرج و مرج نشود و در صورت عدم اجرای این قوانین برای مجرمان مجازات‌هایی تعیین شده است.

سنگ نبشته‌ی حمورابی به‌صورت دو تکه در دسامبر ۱۹۰۱ و ژانویه ۱۹۰۲ میلادی در نزدیکی معبد این شوشینک در آکروپل شوش کشف شد و به موزه‌ی لوور در پاریس برده شد. این سنگ نوشته که به‌طول دو و نیم و به عرض یک و نیم متر می‌باشد، بر فراز آن تصویری از مردی در حال خضوع، مشغول دریافت لوحی از خداوند آفتاب و عدالت (شمش)، دیده می‌شود. تصویر یادشده از آن حمورابی و آنچه که بر این تخته سنگ منقوش است مجموعه‌ی ۲۸۲ ماده قانون حمورابی است. در مورد زمان سلطنت و پادشاهی حمورابی نظر غالب بر آنست که وی بین سال‌های ۱۷۰۴ تا ۱۶۶۲ پیش از میلاد سلطنت کرده است. بخش مهمی از این مواد قانونی واجد جنبه‌ی کیفری است که نه تنها به تعیین مجازات برای بسیاری از اعمالی که امروزه نیز جرم شناخته می‌شوند پرداخته، بلکه به‌عنوان

پاسدار و ضامن اجرای کیفری بسیاری از اعمالی که در روزگار ما مجاز و یا فقط از ضمانت اجرای حقوقی برخوردارند، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است (آشوری، بی‌تا، ص ۱). همچنین ویل دورانت در اهمیت و ارزش قانون‌نامه‌ی حمورابی گفته: «روح این قانون بزرگ مدت پانزده قرن با همه‌ی تغییراتی که در کشور پیش آمده نافذ بود، فقط در پاره‌ای از اوضاع و احوال تغییرات جزئی در آن داده شد» (ویل دورانت، ۱۳۷۰: ج ۱، ۲۷۲).

در سنگ‌نبشته‌ی قانون حمورابی چند نکته جلب توجه می‌کند: ۱- منبع این قانون فرمان الهی است؛ ۲- سلطنت ریشه‌ی الوهیت دارد و شاه نماینده و سخنگوی خداست؛ ۳- مهم‌ترین نکته‌ی جالب توجه در این قانون‌نامه آن است که برای حفظ شعائر و توجیه آداب و رسوم مذهبی تدوین نشده است بلکه مقنن، تنظیم آن‌ها را برای تأمین عدالت و توسعه‌ی امنیت و رفاه مردم می‌داند. محققان خصیصه‌ی نامطلوبی را برای این دستورات مطرح می‌کنند که شاه در ضمن آن که از عدالت و دفاع از حقوق ضعیف‌تر سخن می‌گوید، بر مردم منت می‌گذارد که به آن‌ها قانونی عطا کرده است (آشتیانی، بی‌تا، ص ۳۵۶). در واقع با وجود این که حمورابی در آغاز قانون‌نامه‌ی خود می‌گوید که قوانین استل را شمش خدای خورشید به او وحی کرده اما به صورت ناباورانه‌ای در پایان آن ادعای خدایی کرده و می‌گوید این قوانین از آن اوست.

از جمله مباحثی که در دوران معاصر مطرح شده شباهت قوانین حمورابی با احکام تورات، خاستگاه این قوانین و نیز احتمال تأثیرپذیری آن‌ها از فرهنگ بین‌النهرین و قانون حمورابی است.

یهودیان از نژاد عبرانی هستند که این نژاد با اعراب، آشوریان و چند قوم خاورمیانه اصلی مشترک دارند. زبان، ادبیات، فرهنگ، آداب و رسوم و اعتقادات این اقوام چنان به یکدیگر نزدیک است که دانشمندان معتقد شده‌اند اصل آن‌ها به یک جا می‌رسد که آن‌را نژاد سامی می‌نامند. برخی نیز معتقدند که عبرانی منسوب به عابر نیای حضرت ابراهیم «ع» است (توفیقی، ۱۳۸۷، ص ۷۵). در واقع دو کلمه‌ی عبرانی و یهود با هم مترادفند. از این رو این دو واژه به جای هم به کار برده می‌شوند.

ظهور تأثیرگذار و تاریخ‌ساز قوم یهود با بعثت حضرت موسی «ع» آغاز شد. سه ماه پس از خروج بنی‌اسرائیل از مصر، حضرت موسی مأموریت یافت برای گفت‌وگو با خداوند به



بالای طور سینا برود. او در آنجا دو لوح دریافت کرد که روی آن ده فرمان بسیار مهم و معروف نقش بسته بود. ده فرمان آغاز و مبنای شریعت موسی است و تمام احکام شریعت یهود در همین فرمان‌ها ریشه دارند. احکام فقهی تورات از باب بیستم سفر خروج آغاز شده و تا پایان تورات به صورت پراکنده آمده است. نگارش عهد عتیق حدود ۱۱۰۰ ق.م پس از ورود بنی‌اسرائیل به فلسطین شروع شده و سرانجام تورات در سال ۴۰۰ ق.م همان‌گونه که کاهنان اورشلیم آن را تکمیل و ویرایش کردند، به شکل کنونی درآمد. محققان تاریخ تدوین نهایی همه‌ی کتاب‌های عهد قدیم را مربوط به بعد از اسارت بابلی (تا سال ۴۰۰ ق.م) می‌دانند.

به جز پیشینه‌ی سکونت و مهاجرت نیای یهودیان (حضرت ابراهیم) و مهاجرت وی از بین‌النهرین، حضور یهودیان در این قلمرو به حدود سال‌های ۷۴۱ تا ۷۳۹ قبل از میلاد با حمله‌ی تیگلت پیلشر سوم (Tiglath-Pileser III) به اسرائیل (کشور شمالی یهودیان) باز می‌گردد. او اسرائیل را خراج‌گذار آشور کرد و بخشی از اراضی شمال این کشور را به امپراتوری خویش افزود. کتاب دوم پادشاهان، این واقعه را چنین گزارش کرده است: «پادشاه بابل اشیاء قیمتی خانه‌ی خدا را کوچک تا بزرگ همه را برداشت و خزانه‌ی خانه‌ی خدا را غارت نمود و همراه گنج‌های پادشاه و درباریان به بابل برد. سپس سپاهیان او خانه‌ی خدا را سوزاندند، حصار اورشلیم را منهدم کردند، تمام قصرها را به آتش کشیدند و همه‌ی اسباب قیمتی آن‌ها را از بین بردند. آنانی که زنده ماندند به بابل به اسارت برده شدند و تا به قدرت رسیدن حکومت پارس، اسیر پادشاه بابل و پسرانش بودند» (کتاب دوم تواریخ ایام، ۱۴-۲۰، ص ۳۶).

کوروش، پادشاه پارس، از بی‌توجهی شاه نبونید به خدای مردوک و ناراحتی کاهنان شهر بابل با خبر شده بود و همچنین خبرهای بسیاری از شکنجه و آزار یهودیان اسیر و زندانی به گوش او می‌رسید، برای انجام رسالت تصمیم گرفت بابل را فتح کند. وی با لشکری انبوه از رود دجله گذشت و وارد سرزمین بابل شد. کوروش پس از ورود به شهر بابل فرمان آزادی هزاران یهودی را که قریب هفتاد سال در بابل به اسارت گرفته شده بودند، صادر کرد (محمدپناه، ۱۳۸۷، ص ص ۱۰۶-۱۰۷). به این ترتیب عده‌ی زیادی از بنی‌اسرائیل که به اسارت به بابل برده شده بودند، به وطن خویش بازگشتند. البته از آنجا که قوم در مدت اسارت در بابل به مال و ثروت و زندگی راحتی دست یافته بود، تعداد زیادی

از آنان از بازگشت به وطن خودداری کرده، در بابل سکنا گزیدند و یا به مناطق مرکزی ایران کنونی مهاجرت کردند. بنابراین اسارت یهودیان در بابل زمینه‌ی اصلی آشنایی و تأثیرپذیری آن‌ها از قوانین حمورابی را فراهم کرد.

با توجه به این که کتاب عهد عتیق تنها متن به زبان عبری قدیم است و کلمات نادری دارد که معنای آن‌ها فهمیده نمی‌شود، و ادبیات بابلی که متعلق به گروه زبان‌های سامی است، کمک کرده هر کلمه یا تعبیری که در تورات نامفهوم مانده، مفادش فهمیده شود؛ از این رو تشابهات این دو متن و ارتباط بین آن‌ها می‌طلبد که به بررسی دقیق‌تر آن‌ها پردازیم. بنابراین با توجه به شباهت زیاد این دو متن و اهمیت این موضوع، این مقاله به رابطه‌ی قانون حمورابی با مقررات یهود پرداخته، سپس جرم‌ها و ضمانت اجرای آن‌ها را تحلیل، مقایسه و تطبیق می‌کند و موارد تشابه و تفاوت میان آن‌ها را باز می‌کند.

الف. رابطه‌ی قانون حمورابی با مقررات یهود

کمی بعد از کشف و ترجمه‌ی قانون‌نامه‌ی حمورابی، پژوهشگران مابین این قانون‌نامه و احکام تورات به تشابهاتی پی بردند و این پرسش مطرح شد که قوانین کتاب مقدس یهودیان تا چه اندازه از قوانین حمورابی اقتباس شده‌اند. عده‌ای مدعی شدند قوانین کتاب مقدس یهود الهام گرفته از قوانین بابلی و قانون‌نامه‌ی حمورابی الهام بخش نظام قوانین عبرانی بوده است. یعنی قوانین عبرانی یهودیان تکمیل شده و تکامل یافته‌ی قوانین حمورابی می‌باشد. اما این نظریه بیشتر از این ناشی می‌شد که تا اوایل سده‌ی بیستم، قانون‌نامه‌ی حمورابی قدیمی‌ترین مجموعه‌ی قوانین در طول تاریخ به‌شمار می‌رفت. اما هنگامی که مجموعه‌ی قوانین قدیمی‌تری کشف شد، این نظریه تصحیح شد (میک، ۱۳۷۳، صص ۲۰-۱۹). زیرا مجموعه قوانین حمورابی، با توجه به زمان تدوین آن یکی از شاهکارهای تقنینی است که به ادعاهای افتخارآمیز کسانی که قوانین رم و یونان را تنها منبع قوانین فعلی و برجسته‌ترین آن‌ها می‌دانسته‌اند، خاتمه داده است (آشوری، بی‌تا، صص ۳). قبل از قانون حمورابی سه قانون‌نامه‌ی قدیمی‌تر به نام قانون‌نامه‌های اور-نمو، لیبیت ایشتار و ایشونا وجود داشته‌اند که با کشف قوانین قدیمی‌تر از حمورابی و مقایسه‌ی قانون حمورابی با این سه قانون‌نامه و یافتن وجوه تشابه بین آن‌ها، ملاحظه شد که قانون‌نامه‌ی

حمورابی نه تنها قدیمی ترین قانون نامه‌ی جهان نیست بلکه خود نیز تا حدودی برگرفته شده از قوانین قبل از خود می‌باشد.

در سال ۱۹۳۴، آلبرشت آلت در مقاله‌ای با عنوان «خاستگاه‌های حقوق اسرائیلی» به نقادی حقوق تورات براساس شکل ارائه‌ی آن‌ها پرداخت. او معتقد بود در شکل تدوین قوانین تورات دو الگوی عمده به کار رفته است: الگوی اول را قوانین شرطی می‌نامند که به شکل «اگر ... آنگاه ...» تنظیم شده‌اند، مانند «هر که انسانی را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود» (خروج، ۱۲، ص ۲۱). به نظر آلت، خاستگاه همه‌ی قوانینی که چنین الگویی دارند در سنت‌های کنعانی و قوانین خاور نزدیک باستان است و قوم اسرائیل بعد از فتح این سرزمین این الگوها را از آن‌ها فرا گرفته‌اند و بیشتر مواد قانون نامه‌ی حمورابی به همین شیوه تنظیم شده است. الگوی دوم را قوانین منجز می‌نامند، مانند قوانین ده فرمان: «قتل مکن، زنا مکن و ...» که به شکل مطلق و منجز بیان شده‌اند. این قوانین در سنت اسرائیلی باستان ریشه دارند. البته این دیدگاه مخالفان زیادی دارد؛ مخالفان معتقدند که هر دو شکل قوانین را در نظام‌های دیگر نیز می‌توان یافت (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۳۸).

آ. اشپیرز ریشه‌ی قوانین دوران خروج را در قوانین بین‌النهرین ارایه می‌دهد، اما معتقد است که این دستورها از فرهنگ هیتی نیز متأثر شده‌اند. او خاطر نشان می‌کند که در مورد قوانین شرطی حتی شکل بیان آن‌ها نیز در این منطقه مشابه بوده و همه با اگر شروع می‌شود (در سومری توکومبی، در هییتی تکو، در اکادی شوما و در عبری کی است که همه مفهوم اگر می‌دهد).

اما برخلاف این نظریه ملاحظه می‌شود که آلبرایت برای ارایه‌ی شباهت چشمگیر این قوانین به دو نمونه اشاره می‌کند: «اول این که ۲۱/۲۸ خروج: اگر گاوی به مرد یا زنی چنان شاخ زند که مضروب بمیرد، باید گاو را سنگسار کرد. گوشت این گاو را نباید خورد ... و دوم این که ۲۲/۱۲ خروج: اگر چارپایی را به کسی سپرده و این چارپا فرار کند یا بمیرد ... آلبرایت معتقد است در این قوانین حتی جملات شبیه به هم بیان شده‌اند و گاهی حتی کلمات قوانین بابلی هییتی با قوانین تورات یکسان است. در قوانین بابلی برای سوگند کلمه‌ی خدایان به کار برده شده که در تورات نیز عیناً اقتباس شده و به جای یهوه، الوهیم یا خدایان استعمال شده است به عبارت دیگر حتی بدون توجه عین کلمه را اقتباس کرده‌اند» (آشتیانی، بی تا، ص ۳۵۸). ویل دورانت نیز در جلد اول کتاب تاریخ تمدن، ضمن بحث از

قوم یهود و اعلام سمپانی برای این قوم می‌نویسد: اساس مجازات نزد قوم یهود قانون قصاص و معامله به‌مثل بوده است و اگر اذیتی دیگر حاصل شود آنگاه جان به‌عوض جان بده و چشم به‌عوض چشم و دندان به‌عوض دندان و لطمه به‌عوض لطمه و ... به عقیده‌ی ویل دورانت اینها کمال مطلوب‌هایی بوده است که همه‌ی آنها به وجه اکمل تحقق نمی‌یافته است و شریعت موسی که لاقلاً پانزده قرن پس از قانون حمورابی تدوین شده از لحاظ جنایی بر آن مزیتی ندارد (آشوری، بی‌تا، ص ۴).

البته به‌جز تشابه احکام یهودیت با قوانین حمورابی الواح بابلی و اسفار یهود از نظر بعضی از اسطوره‌ها مانند اسطوره‌ی آفرینش جهان و اسطوره‌ی طوفان نیز با هم شباهت دارند و می‌توان آنها را از یک ریشه‌ی واحد دانست (شی‌یرا، ۱۳۴۱، ص ۱۷۱).

حال به فرض که بتوان اثبات کرد قوانین یهودی از محیط فرهنگی که در آن زندگی می‌کرده تأثیر پذیرفته است، آیا در این نظام، جنبه‌ای خاص که آن را از دیگر نظام‌ها متمایز کند وجود دارد؟ موافقان این نظریه دو ویژگی عمده را به‌عنوان وجه تمایز مطرح کرده‌اند که یکی از آنها مبنای اعتبار و حجیت قوانین است. در بعضی از قوانین بین‌النهرین آمده است که پادشاه با راهنمایی خدا عدالت (غیردینی) را استوار کرده است. در مقدمه و مؤخره‌ی قانون‌نامه‌ی حمورابی آمده است که این قوانین عدالت حمورابی را برپا داشت، اما در قوانین کتاب مقدس، حضرت موسی واسطه است نه قانون‌گذار. منبع قوانین تورات خداست و موسی این قوانین را به مردم انتقال می‌دهد. از این‌رو، قوانین تورات جنبه‌ی دینی هم دارد و به همین دلیل ضمانت اجرای آن نیز صرفاً دنیوی نیست. تفاوت آشکار دیگری که بین این دو دسته از قوانین وجود دارد این است که در قوانین تورات برای بسیاری از اعمالی که نقض حکم دینی خاصی هستند یعنی ناظر به رابطه‌ی فرد و خدایند، مجازات اعدام در نظر گرفته شده است، اما در قوانین دیگر، ضمانت اجرا متوجه نقض قواعدی است که بر روابط انسان‌ها حاکمند (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۳۹). در واقع در قانون حمورابی رابطه‌ی فرد با خدا وجود ندارد و نقض قواعد بین افراد مهم‌تر تلقی شده و پاداش و کیفر اخروی نیز برای اعمال در نظر گرفته نشده است. در صورتی که در مقررات یهود رابطه‌ی فرد با خدا (یهوه) مهم‌تر است.

ب. وجوه اشتراک قانون حمورابی با احکام یهود

۱- موضوع تمام قانون‌نامه‌های خاور نزدیک باستان (قانون‌های اورنمو، لیپیت ایشتار، اشوننا، حمورابی، آشوری میانه، هیتی‌ها، بابلی جدید، سفر خروج باب ۲۱ آیه ۱ الی باب ۲۲ آیه ۱۶، سفر تثبیه باب ۲۱ آیه ۱ الی باب ۲۵ آیه ۱۶) مسائل روزمره‌ی حقوق غیرمذهبی است، یعنی به حل و فصل اختلافات ناشی از جرم، قرارداد و مانند اینها می‌پردازند. برای نمونه به ماده‌ی ۴۲ حمورابی اشاره می‌کنیم:

اگر کسی مزرعه‌ای را برای کشاورزی اجاره کند اما در مزرعه به کشت محصول نپردازد، آن‌ها باید ثابت کنند که مستأجر کار لازم را بر روی مزرعه انجام نداده است و مستأجر باید به مالک مزرعه بنا بر محصول مزرعه مجاور غله پرداخت کند (بادامچی، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

۲- مقررات قانون‌نامه‌های خاور نزدیک باستان، به صورت موردی بیان شده است نه در قالب قاعده‌های کلی. یعنی مبتنی بر مورد یا واقعه‌ی خاص است (همان، ص ۶۲).

۳- قانون‌نامه‌های خاور نزدیک باستان به معنای جدید، قانون‌گذاری نبودند. هر چند شاید استفاده‌های گوناگون جنبی، مانند تبلیغ سیاسی داشته‌اند اما در ابتدا رساله‌های علمی بودند که به جای تعیین و تجویز، قانون را توصیف می‌کردند (بادامچی، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

۴- ویژگی مشترک قوانین خاور نزدیک باستان، روش علمی است به این صورت که حکمی را که در پرونده‌ای حقوقی صادر شده بود بر می‌گرفتند، از تمام جزئیات خارجی جدا می‌کردند، به نحوی که تنها سابقه‌ی قضایی باقی می‌ماند. سپس آن‌را به شکل فرضیه‌ای در می‌آوردند که به طور معمول به سبک موردی (با مقدمه و نتیجه) بیان می‌شد (بادامچی، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

۵- قانون‌نامه‌های یادشده خطاب به معاصران بوده است، نه خطاب به مورخین. از این رو قسمت زیادی از اطلاعات را مفروض می‌دانستند، از این رو نباید مقررات یادشده را به طور جداگانه و صورتی تفسیر کرد، بلکه باید آن قسمت از اطلاعات مفروض را بازسازی نمود (بادامچی، ۱۳۹۲، ص ۷۲). با توجه به این که این مقررات برای مردم معاصر نوشته شده بود از این رو فرض را بر آن می‌گرفتند که مردم با قسمتی از مقررات عرفی و قانونی آشنایی دارند، بنابراین برای شرح و تفسیر این قانون‌نامه‌ها باید اطلاعات مفروض را در نظر بگیریم. البته نقش این قوانین در جامعه‌ی بابلی هنوز موضوع بحث‌انگیزی است. آن‌ها احتمالاً یک



قانون نامه به معنای امروزی (مجموعه کامل قوانین کشور) نبودند. از آن جهت که هیچ کدامشان قانون‌هایی وضع شده در سرزمینی خاص نبوده‌اند، بلکه نوعی انشاء و تأویل هستند که از روی عرف و پیشینه‌ی حقوقی زمان‌های گذشته‌تر اقتباس شده‌اند. قانون‌گذار در صدد آن نبوده است که مجموعه‌ای از قانون‌ها را به وجود آورد، بلکه صرفاً به نشر فهرستی از اصلاحات تازه همت گماشته، که پاره‌ای مواد قانونی منسوخ مانده بوده‌اند یا ماده قانون‌هایی که به اقتضای زمان نیازمند جرح و تعدیل بودند و در نتیجه ماده قانون‌هایی را که نیاز به اصلاح نداشته‌اند در فهرست خویش بیان نکرده و همچون اصولی مسلم و پایدار پذیرفته و آن‌ها را به رسمیت شناخته است. چنان‌که حمورابی مجموعه قوانینی را نوشت که قبل از او توسط لیپیت ایشتار در ایسین، و توسط ایبی سین و اورنمو در اور، و توسط یکی از پادشاهان اشونونا به نام ددوشا در بابل، تدوین یافته بود (عده‌ای از دانشمندان یونسکو، ۲۵۳۶، ص ۲۴۲).

۶- در ماده‌ی ۱ حمورابی آمده: «اگر کسی فرد دیگری را متهم کرد و اتهام قتل بر او افکند اما نتوانست اتهام را ثابت کند، کسی که به او اتهام وارد کرده است (یعنی اتهام زننده‌ی او) کشته خواهد شد». در تورات نیز مجازات شاهد دروغین مجازات همان عملی است که وی دیگری را به ارتکاب آن متهم کرده است (تثنیه، ۱۹، ص ص ۲۱-۱۶).

۷- نمونه‌ی بارزتر شباهت بین قوانین حمورابی و احکام یهودیت مربوط به صدمات گاو شاخزن است و جالب این‌که در تورات نیز این مسأله‌ی حقوقی به همین شکل مطرح شده است و فقط مجازات آن تفاوت دارد. در تورات سفر خروج باب ۲۱ آیه‌ی ۲۸ آمده است: «اگر گاوی به مرد یا زنی چنان شاخ بزند که مضروب بمیرد، باید گاو را سنگسار کرد».

در ماده‌ی ۲۵۱ حمورابی نیز درباره‌ی مجازات صاحب گاو شاخزن آمده است: «اگر گاو شخصی شاخزن بود و انجمن شهر به صاحب گاو فهماند که گاو او شاخزن است (و از این رو خطرناک است) اما او شاخ‌های گاو را با پارچه نپوشاند یا گاو خود را در بند نکرد و آن گاو پسر او یلومی را شاخ بزند و باعث مرگ او شود، او باید نیم مینای نقره بپردازد». در تورات گاو شاخزن را سنگسار می‌کنند اما در قانون حمورابی صاحب گاو شاخزن باید نیم مینای نقره بپردازد.

۸- ماده‌ی ۱۷۵ حمورابی: «اگر غلامی با کنیزی - معشوقه‌اش - ازدواج کند و آن غلام (بعداً) آزاد شود، او خانه را ترک نخواهد کرد» این بند را به دو صورت می‌توان تفسیر کرد: یکی این که با آزاد شدن، غلام از خانه اخراج نمی‌شود و حق دارد در نزد همسر کنیزش بماند. دوم: با آزاد شدن غلام، وضعیت کنیز تغییری نمی‌کند و نمی‌تواند به همراه شوهر غلامش برود و در واقع عقد ازدواج به هم می‌خورد. برداشت اخیر با اصول حقوق قدیم سازگارتر است (بادامچی، ۱۳۸۲، ص ۳۹). به عبارت دیگر، در نکاح بردگان با آزاد شدن یکی از زوجین، وضعیت طرف دیگر بلا تغییر می‌ماند اگر چه بردگان مال محسوب می‌شدند، اما با این حال ماهیت انسانی برده به طرق مختلف به رسمیت شناخته شده است. در اینجا دقیقاً قاعده‌ی مقرر در سفر خروج باب ۲۱ آیه‌ی ۴ را مشاهده می‌کنیم.

۹- عدالت قضایی یعنی در جامعه‌ی انسانی همه‌ی مردم از حیث انسانیت و حقوق انسانی مساوی هستند و باید در مقام قضا و در برابر قانون هم مساوی باشند و حقی که مورد تجاوز قرار گرفته، استیفا شود. یکی از این حقوق برابر، دادخواهی و دسترسی به دادگاه‌های صالح و مستقل برای تظلم خواهی است. اگر فردی باعث شود که عدالت قضایی نسبت به حقوق دیگری اجرا نشود، دولت موظف است با این اختلال‌گر در اجرای عدالت قضایی برخورد کند (یکرنگی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳). در قانون حمورابی در برخی موارد به صراحت و در برخی به‌طور ضمنی به موضوع جرایم علیه اجرای عدالت قضایی اشاره شده است. به‌طور مثال در ماده‌ی ۳ حمورابی آمده:

«اگر کسی در یک پرونده‌ی حقوقی برای ادای شهادت دروغ، حاضر شد و نتوانست کلامی را که گفت اثبات کند، اگر آن پرونده راجع به مسأله‌ی زندگی است آن کس کشته خواهد شد» (ماده‌ی ۳ حمورابی). در این ماده چنان‌که از سیاق عبارت بر می‌آید شهادت بیشتر ناظر بر شهادت کذب است تا شهادت اشتباه. وقتی کسی به دروغ شهادت داد و در اجرای درست عدالت اختلال ایجاد کرد باید مجازات شود.

در اجرای عدالت قضایی یکی از احکام ده فرمان به آن مربوط است: «شهادت دروغ مده» همچنین در سفر خروج آمده: «قاضی نباید رشوه بگیرد» (خروج ۸/۲۳)، «ناباید برای شریان تبعیض قائل شود» (خروج ۶/۲۳)، «ناباید سخنان یک طرف را بدون حضور دیگری بشنود» (خروج ۱/۲۳) و «شهادت دروغ ندهید» (خروج ۱۳/۲۰).

۱۰- کم یا زیاد کردن متن قوانین تورات و انجام احکام آن اکیداً ممنوع شده است. مجازات عدم تمکین از فرامین تورات و پیش‌بینی‌های حضرت موسی راجع به آینده‌ی بنی‌اسرائیل این چنین است:

«اگر در فرایض من سلوک کنید و اوامر مرا نگه داشته آن‌ها را به‌جا آورید، آنگاه باران‌های شما را در موسم آن‌ها خواهم داد و زمین محصول خود را خواهد داد و کوفتن خرمن شما تا چیدن انگور خواهد رسید و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد رسید و دشمنان شما پیش روی شما از شمشیر خواهند افتاد و بر شما التفات خواهم کرد و عهد خود را با شما استوار خواهم نمود و اگر احکام مرا نشنوید و این اوامر را به‌جا نیاورید و عهد مرا بشکنید من وحشت و سل و تب را بر شما مسلط خواهم ساخت و...» (سفر لاویان، باب ۲۶، آیه‌ی ۳).

حمورابی نیز در پایان قانونش کسانی را که فرمان‌هایش را اطاعت نکنند نفرین می‌کند و می‌گوید امیدوارم که پادشاهان بعدی به گفته‌های من توجه کرده و این اصول را اجرا کنند و اگر پادشاهی بخواهد حرف‌هایم را تغییر دهد، نفرین می‌کنم که قدرت پادشاهی وی نابود و نفرین ابدی بر سر نوشتش فرود آید (کیخسروی مقدم، ۱۳۵۶، ص ۱۷۸).

حمورابی در مؤخره‌ی قانون‌نامه‌اش می‌گوید: «... اگر آن مرد به کلماتی که بر روی سنگ نبشته‌ی خود نگاشتم توجه نکرد، و به نفرین‌های من اعتنایی نکرد، و قانونی را که من وضع کرده‌ام برانداخت و کلمات مرا دگرگون کرد و نام مرا سترد و نام خود را نگاشت ... انوم توانا، پدر خدایان او را از شکوه پادشاهی بی‌بهره خواهد کرد، عصای سلطنتی او را خواهد شکست و سرانجام او را ملعون خواهد کرد. پادشاهی از او گرفته خواهد شد، و نام و خاطره‌ی او از زمین ناپدید خواهد شد (بادامچی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱).

۱۱- بسیاری از احکام یهودیت و قوانین حمورابی جنبه‌ی عرفی دارند. یکی از منابع رسمی در حقوق یهودی مینهاگ (عرف) است که بیانگر قواعد حقوقی بوده و از شکل‌های مختلف عرف استنتاج می‌شوند. در تعریف عرف گفته‌اند قاعده‌ای است که به تدریج و خود به خود میان همه‌ی مردم یا گروه ویژه‌ای از آنان به‌عنوان قاعده‌ای الزام‌آور مرسوم شده است (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۶۱). به‌طور معمول میان عرف و قانون تفاوت گذاشته می‌شود. به هر رفتار به عادت یا معمول و هر رویه‌ی تثبیت شده عرف می‌گویند. قانون قاعده‌ای رفتاری است که حاکم یا نمایندگان آن را اجرا می‌کنند. قوانین با ضمانت

اجراهای صحیح حمایت می‌شود، در حالی که پشتیبان عرف، کنترل اجتماعی است. اینها تمایزهای صرفاً منطقی‌اند. مقررات راجع به بندگی ناشی از دین در قانون‌نامه‌های بین‌النهرینی و یهودی تلاش مشابهی را برای کاستن از خشونت عرف‌های راجع به مدیونان نشان می‌دهد. این اقدام‌ها منعکس‌کننده‌ی حرکتی است که در صدد بود قدرت خصوصی را تحت فرمان و مطیع کنترل عمومی در آورد.

۱۲- در مورد قتل نفس از قانون حمورابی و تورات چنین استنباط می‌شود که در هر دو سنت، قصاص خون مقتول بر عهده‌ی وارث یا نزدیک‌ترین خویشاوند است نه دولت و علاوه بر این انتقام‌گیرنده در دیده‌ی قانون بی‌گناه شناخته می‌شود.

۱۳- شباهت دیگر مسئله‌ی قصاص عضو است (ماده‌ی ۱۹۶-۲۰۰ حمورابی و خروج ۲۱، صص ۲۳-۲۵). در قانون حمورابی درباره‌ی قصاص عضو آمده است: «اگر شخصی چشم پسر یک اویلوم را کور کند، آن‌ها چشم او را کور می‌کنند» (ماده‌ی ۱۹۶ حمورابی). تورات نیز به صراحت قصاص عضو را پذیرفته است: «کسی که همسایه‌ی خود را عیب رسانده باشد چنان‌که او کرده باشد به او کرده خواهد شد، شکستگی عضو عوض شکستگی، چشم عوض چشم، دندان عوض دندان. چنان‌که به آن شخص عیب رسانده هم‌چنان به او رسانیده شود» (لاویان ۲۰-۱۹، ص ۲۴). بنابراین مجازات صدمات بدنی قصاص است و اگر کسی به عضوی از بدن فردی آسیب زد باید قصاص شود البته تورات برده را استثنا کرده و گفته اگر کسی چشم غلام یا کنیز را بزند که ضایع شود او را به عوض چشمش آزاد کند. اما در تلمود دیگر تمایلی به مجازات مجرم این عمل نیست بلکه در عوض برای فرد آسیب‌دیده تاوان و غرامت پولی می‌گیرند.

با توجه به این‌که قصاص به مثل و قصاص عضو هم در قانون حمورابی و هم در احکام یهودیت وجود دارد، پرفسور ریچارد اس الیس در این باره می‌گوید: کیفر قصاص در زمان حمورابی اگرچه بی‌رحمانه به نظر می‌رسد اما می‌توانست پیشرفتی در نظریه‌ی حقوق تلقی شود. در این دوره قصاص توسط دولت مطالبه می‌شد نه از طرف زخم‌خورده. در حالی که قبل از این قانون، چنین جرایم و مجازات‌هایی جنبه‌ی اجتماعی نداشت (افراسیایی، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

۱۴- شهادت یکی از مهم‌ترین ادله‌ی اثبات دعوی در تمام نظام‌های حقوقی است. در قانون حمورابی شهادت دلیلی پسندیده بوده است. در حقوق جزای یهود نیز شهادت

اعتباری خاص دارد، و در بسیاری از دعاوی تنها دلیل مورد قبول دادگاه، شهادت است (سلیمانی، ۱۳۷۸، ص ۷۰) ماده‌های ۹ تا ۱۳ حمورابی شهادت را یکی از ادله اثبات دعوی می‌داند. به‌طور مثال در ماده‌ی ۱۱ حمورابی آمده: «اگر مالک مال مسروقه نتوانست شهودی را به دادگاه بیاورد که مال مسروقه‌ی وی را شناسایی کنند، او دروغگو است و اتهام ناروا وارد کرده است و او کشته خواهد شد» (ماده‌ی ۱۱ حمورابی).

«اگر شهود آن شخص در دسترس نبود، قضات باید مدت زمانی شش ماهه برای او تعیین کنند و اگر او شهود را در طول شش ماه حاضر نکرد آن شخص دروغگو است و مجازات آن پرونده بر وی تحمیل خواهد شد» (ماده‌ی ۱۳ حمورابی).

همچنین به‌طور مثال در سفر خروج باب ۲۲ آیات ۱۰ تا ۱۴ آمده «اگر کسی الاغی یا گاوی یا گوسفندی یا جانوری دیگر به همسایه‌ی خود امانت دهد و آن بمیرد یا پایش شکسته شود یا دزدیده شود و شاهده‌ی نباشد (کسی نباشد که شهادت بدهد) قسم خداوند در میان هر دو نهاده شود که دست خود را به مال همسایه‌ی خویش دراز نکرده است پس مالکش قبول کند و او عوض ندهد».

۱۵- منع انتقام خصوصی یکی از بارزترین ویژگی‌های قانون حمورابی است. مقنن در بیشتر موارد صحبت از قضات کرده و پس از بیان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم اضافه می‌کند که قضات فلان مجازات را درباره‌ی مجرم مجری می‌دارند و متضرر از جرم و اولیاء دم شخصاً حق گرفتن انتقام از مجرم را نداشته و صلاحیت صدور حکم و اعمال کیفر از آن قضات و مداخله‌ی آنان برای اعمال مجازات لازم است. مشخص کردن حد و مرز انتقام‌گیری از شباهت‌های قانون حمورابی با احکام یهود است. «جرم در خاور نزدیک باستان تجاوزی علیه شخص یا خدا تلقی می‌شد که بزه‌دیده حق داشت انتقام آن را بگیرد. نقش دادگاه عبارت از محدود کردن انتقام انسانی و دفع انتقام الهی از جامعه بود. مشخص کردن حد و مرز درست انتقام‌گیری وظیفه‌ی اصلی علم حقوق بین‌النهرین بود که دانش آن در نظام‌های حقوقی اطراف، از جمله در اسرائیل دوره‌ی کتاب مقدس پذیرفته شد» (وستبروک، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴).

۱۶- در ماده‌ی ۲ از قانون حمورابی و سفر خروج باب ۲۲ آیه‌ی ۱۸ مجازات جادوگری مرگ تعیین شده است. در ماده‌ی ۲ حمورابی آمده:



«اگر شخصی دیگری را به ساحری متهم کرد اما آن را اثبات نکرد کسی که اتهام ساحری به او وارد شده باید خود را داخل رودخانه بیاندازد و اگر رودخانه او را از بین برد متهم کننده باید دارایی و منصب او را تصاحب کند. اگر رودخانه نشان داد که شخص بی گناه است و به سلامت بیرون آمد کسی که به او اتهام ساحری زده باید به قتل برسد و متهم شده باید دارایی و منصب متهم کننده خود را تصاحب کند.»

۱۷- مجازات زناى محصنه هر چند به رضایت طرفین باشد مرگ است. در سفر خروج باب ۲۲ آیات ۱۶-۱۵ و سفر تثنیه باب ۲۲ آیات ۲۴-۲۳ و ماده ۱۲۹ قانون حمورابی مجازات زناى محصنه مرگ است. شوهری که همسر خود را در حال زنا با دیگری ببیند، می تواند بدون آن که مرتکب جرمی شده باشد هر دوی آنها را به قتل برساند و اگر بخواهد همسرش را از مجازات مرگ معاف کند دیگر نمی تواند اعدام طرف مقابل را درخواست کند.

«اگر همسر شخصی در حالی که با مرد دیگری خوابیده دستگیر شود آنها را می بندند و در آب می اندازند. اگر ارباب زوجه (=شوهر) بگذارند همسرش زنده بماند شاه می گذارد که بنده اش زنده بماند» (ماده ۱۲۹ حمورابی). طریقه اعدام یعنی سنگسار کردن یا به دار آویختن و غرق کردن در قانون مشخص نشده است، اما به دلیل این که هر دو طرف محکوم به مجازات یکسانی می شوند ظاهراً نحوه اعدام آنها نیز یکسان خواهد بود.

۱۸- در ماده ۱۴ حمورابی آمده است: «اگر شخصی پسر صغیر کس دیگری را برآید، او کشته خواهد شد» در تورات: «هر که آدمی را بدزدد و او را بفروشد یا در دستش یافت شود هر آینه کشته شود» (خروج باب ۲۱، آیه ۱۶) این قوانین دقیقاً مشابه یکدیگر هستند.

۱۹- در ماده ۲۱ حمورابی: «اگر فردی سوراخی به داخل خانه ای باز کرد، باید او را در مقابل آن سوراخ به قتل رسانده و او را داخل دیوار گذاشت»، مشابه این قانون، سفر خروج باب ۲۲ آیه ۲ است: «اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود و او را بزنند به طوری که بمیرد بازخواست خون برای او نباشد». شرط تحقق جرم یادشده، شکستن حرز و ورود از طریق ایجاد روزنه در دیوار منزل غیر است که این مورد به اصل هتک حرمت منزل بر می گردد.

۲۰- بر حسب ماده ۱۲۰ حمورابی: «اگر فردی غله ی خود را در انبار فرد دیگری ذخیره کند و به انبار غله آسیبی وارد شود یا صاحب خانه انبار را باز کند و غله بردارد و یا



او دریافت غله‌ای را که در خانه انبار کرده است به‌طور کامل انکار کند، صاحب غله باید مدارک خود را در حضور خدا ارایه دهد و صاحب‌خانه باید دو برابر غله‌ای را که برداشته است به صاحب غله بدهد». در سفر خروج باب ۲۲ آیات ۳ تا ۹ احکامی شبیه به قانون یادشده وجود دارد: «اگر کسی پول یا اسباب نزد همسایه‌ی خود به امانت گذاشت و از خانه‌ی آن شخص دزدیده شود هرگاه دزد پیدا شود دو چندان رد نماید و اگر دزد گرفته نشود آنگاه صاحب‌خانه را به حضور حاکم بیاورند تا حکم شود آیا دست خود را بر اموال همسایه‌ی خویش دراز کرده یا نه».

۲۱- بر طبق ماده‌ی ۱۳۰ حمورابی، اگر کسی همسر باکره کس دیگری را که هنوز در خانه پدرش اقامت دارد، ازاله بکارت کند و آن‌ها وی را در حال هم‌بستری با آن زن دستگیر کنند آن مرد کشته خواهد شد، آن زن آزاد خواهد شد. در سفر تثیبه باب ۲۲ آیات ۲۳ تا ۲۷ احکامی شبیه به همین قانون بیان شده که اگر دختر باکره به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته با او همبستر شود، هر دو را سنگسار کنند تا بمیرند. دختر را به این دلیل که فریاد نکرده است و مرد را به این دلیل که زن همسایه‌ی خود را ذلیل کرده است، اما اگر آن دختر در صحرا بوده فقط باید آن مرد را به قتل رساند و دختر را آزاد کرد.

۲۲- بر اساس ماده‌ی ۱۹۵ حمورابی: «اگر پسری پدر خود را زد، باید دست او را قطع کنند». این قانون یادآور احکام سفر خروج باب ۲۱ آیه‌ی ۱۵ و سفر لاویان باب ۲۰ آیه‌ی ۹ است: «هر که پدر یا مادر خود را بزند هر آینه کشته شود».

۲۳- بنابر ماده‌ی ۲۶۶ حمورابی: «اگر در طویله یک بیماری مسری پدید آید، یا شیر [یکی از حیوانات را] بکشد، چوپان در برابر خدا خود را تیرئه خواهد کرد، خسارت طویله را مالک طویله برای او خواهد پذیرفت» [یعنی چوپان مسئول نیست]. در سفر خروج باب ۲۲ آیه‌ی ۹ همین حکم آمده است: «در هر خیانتی از گاو و الاغ و گوسفند و رخت و هر چیز گمشده، که کسی بر آن ادعا کند، امر هر دو به حضور خدا برده شود، و بر گناه هر کدام که خدا حکم کند، دو چندان به همسایه‌ی خود رد نماید».

جدول ۱. همسانی مضمونی قانون حمورایی با احکام یهود

قانون حمورایی	احکام یهود
۱- از لحاظ مضمون و محتوی مجموعه‌ای از مقررات حقوقی هستند.	۱- از لحاظ مضمون و محتوی مجموعه‌ای از احکام حقوقی هستند.
۲- مقررات به صورت موردی بیان شده نه کلی.	۲- احکام به صورت موردی بیان شده نه کلی.
۳- مقررات به معنای جدید قانون گذاری نبودند.	۳- احکام به معنای جدید قانون گذاری نبودند.
۴- روش علمی به صورت مقدمه و نتیجه است.	۴- روش علمی به صورت مقدمه و نتیجه است.
۵- مقررات خطاب به معاصران است نه خطاب به مورخین. از این رو قسمتی از اطلاعات مفروض است.	۵- مقررات خطاب به معاصران است نه خطاب به مورخین. از این رو قسمتی از اطلاعات مفروض است.
۶- مجازات شاهد دروغین قتل است.	۶- مجازات شاهد دروغین قتل است.
۷- صاحب گاو شاخزن باید جریمه مالی بدهد.	۷- مجازات شاخزنی گاو که منجر به مرگ شود، سنگسار است.
۸- برده می‌تواند با فردی آزاد یا برده ازدواج کند.	۸- برده می‌تواند با فردی آزاد یا برده ازدواج کند.
۹- عدالت قضایی یا راستی در قضا	۹- عدالت قضایی یا راستی در قضا
۱۰- کم یا زیاد کردن قانون حمورایی عملاً و نظراً اکیداً ممنوع است.	۱۰- کم یا زیاد کردن احکام تورات عملاً و نظراً اکیداً ممنوع است.
۱۱- بسیاری از قوانین حمورایی جنبه عرفی دارد.	۱۱- بسیاری از دستورات تورات جنبه عرفی دارد.
۱۲- قصاص مقتول بر عهده‌ی وارث یا خویشاوند است نه دولت.	۱۲- قصاص مقتول بر عهده‌ی وارث یا خویشاوند است نه دولت.
۱۳- قصاص عضو را باید با همان قصاص عضو مجازات کرد.	۱۳- قصاص عضو را باید با همان قصاص عضو مجازات کرد.
۱۴- شهادت مهم‌ترین ادله‌ی اثبات دعوی است.	۱۴- مهم‌ترین دلیل مورد قبول دادگاه‌های یهود شهادت است.
۱۵- حد و مرز انتقام‌گیری مشخص شده است.	۱۵- انتقام انسانی و حد و مرز آن مشخص است.
۱۶- مجازات جادوگری مرگ است.	۱۶- مجازات جادوگری مرگ است.
۱۷- مجازات زنا محصنه حتی با رضایت طرفین مرگ است.	۱۷- مجازات زنا محصنه حتی با رضایت طرفین مرگ است.
۱۸- هر که آدمی را بدزدد مجازاتش قتل است.	۱۸- هر کس آدمی را بدزدد مجازاتش مرگ است.
۱۹- اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود مجازاتش قتل است.	۱۹- اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود مجازاتش قتل است.
۲۰- اگر فردی وسیله‌ای نزد همسایه امانت گذاشت در صورت دزدیده شدن، فرد باید در حضور خدا سوگند بخورد.	۲۰- اگر فردی وسیله‌ای نزد همسایه امانت گذاشت در صورت دزدیده شدن، فرد باید در حضور خدا سوگند بخورد.
۲۱- اگر کسی با نامزد دیگری هم‌آغوش شود باید کشته شود.	۲۱- اگر کسی با نامزد دیگری هم‌آغوش شود باید کشته شود.
۲۲- اگر پسری پدر خود را زد باید کشته شود.	۲۲- اگر پسری پدر خود را زد باید کشته شود.
۲۳- اگر شیری موجب مرگ گوسفندان شد چوپان باید عوض آن‌ها را به صاحبش بدهد.	۲۳- اگر شیری موجب مرگ گوسفندان شد چوپان باید عوض آن‌ها را به صاحبش بدهد.



ج. وجوه افتراق قانون حمورابی با احکام یهود

۱- در قانون حمورابی در برخی موارد، مجازات نیابتی بیان شده یعنی مجازات باید به جای اعمال نسبت به شخص مجرم، بر عضوی از خانواده‌ی او اعمال شود (مواد ۱۱۶ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۲۹ و ۲۳۱) مثلاً «مرگ صاحبخانه منجر به مرگ معمار خانه می‌شود» (ماده‌ی ۲۲۹ حمورابی)، اما در سفر تثبیه باب ۲۴ آیه ۱۶ آمده است: «پدران را نباید به گناه پسران کشت، و پسران را نباید به گناه پدران کشت، هر کس تنها در قبال جرم خود کشته می‌شود». یعنی در قوانین یهودی به اصل شخصی بودن مجازات توجه شده است. اگر قانون حمورابی به نظر ما غریب یا خشن می‌آید، به این دلیل است که احساسات و عواطف ما از اصولی همچون فردی بودن مسئولیت کیفری ریشه می‌گیرد، همان‌گونه که در کتاب مقدس بیان گردیده است. منظور از اصل شخصی بودن مجازات‌ها آنست که غیر از بزه‌کار، (اعم از مرتکب اصلی، شرکاء و معاونین جرم) دیگری دچار عقوبت نگردد. با مطالعه و دقت در مواد متعدد کیفری قانون حمورابی ملاحظه می‌شود که هیچ یک از مواد آن، به اصل مذکور بدانگونه که مورد نظر است، صریحاً اشاره نکرده است. اما از این عدم تصریح نمی‌توان به نفی اصل شخصی بودن مجازات‌ها از سوی حمورابی معتقد شد. در حقیقت جز در سه مورد استثنا در ماده‌های (۲۰۹ و ۲۲۹ و ۱۱۶) همه جا سخن از مجازات مرتکب اصلی جرم نموده و از این رو مسئولیت کیفری متوجه اشخاص ثالثی که نقشی در ارتکاب جرم نداشته‌اند نمی‌گردد.

۲- ماده‌ی ۲۳ حمورابی با سفر تثبیه آیات ۹-۱ از جهتی مشابه و از جهتی متفاوت است. اگر ملکی که مرده‌ای در آن یافت شده ملک خصوصی کسی نباشد، اما سرزمین بایر غیر محصور باشد، باید ۳ مایل از هر طرف اندازه‌گیری شده و وارث مقتول تمامی دهکده‌هایی که در میان این محدوده یافت می‌شود، بردارد و اگر دهکده‌ای در آن منطقه وجود نداشته باشد، وارث باید از ادعایش صرف نظر کند. در قوانین عبری نیز همان طریقه‌ی اندازه‌گیری نزدیک‌ترین شهر استفاده می‌شود اما تفاوت در این است که محدودیتی برای اندازه‌گیری مسافت وجود ندارد و اشاره به خون بها نشده است (هافنر، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

۳- برخلاف متون مقدس تورات که اسلوب‌های بیانی مختلف دارند، در قانون حمورابی گزاره‌های استفهامی، اخباری و ناهی کمتر به چشم می‌خورد.



۴- یکی از تفاوت‌های منابع خط میخی بین النهرین و تورات از لحاظ تاریخ است که احکام تورات به هزاره‌ی اول ق. م تعلق دارند، ولی قانون‌نامه‌های خط میخی متعلق به هزاره‌ی سوم و دوم ق. م است. تفاوت دیگر از لحاظ ایدئولوژی است. قانون‌نامه‌های خط میخی مأخوذ از قانون و رویه‌ی قضایی سلطنتی و نشانه‌ی برقراری ثبات‌اند. اما قانون‌نامه‌های سفر تثبیه و روحانیون متعلق به مجامعی است که ضرورتاً با پادشاه هم‌منظر نیستند.

۵- قانون حمورابی با تورات از لحاظ سیاق تفاوت دارد. احکام تورات مانند قانون‌نامه‌های خط میخی اسناد مستقلی نیستند، بلکه در معرض فرایند ویرایش بوده در نتیجه آن‌ها ناهمگون‌تر و ساخته شده از منابعی متنوعند (وستبروک، ۱۳۸۳: ۶۳).

۶- قانون حمورابی یک قانون لازم‌الاجرا نیست، بلکه مجموعه‌ی اندرزهای شاهانه با محتوای لازم‌الاحترام است. قانون حمورابی، که ترکیب یکنواختی هم ندارد، از ستایش خدایان آغاز می‌شود اما پس از آن، از رنگ دینی خارج می‌شود و سعی وافری به کار می‌برد که آن را از هر گونه رنگ دینی و متافیزیکی بر کنار داشته و دیگر نامی از خدایان نمی‌برد و به حماسه‌سرایی و تعریف از خود پرداخته و می‌گوید هنگامی که مردوک مرا برانگیخت که به مردم حکومت کنم، من قانون و عدالت را بر سراسر زمین ارزانی داشتم (کیخسروی مقدم، ۱۳۵۶، ۶۷-۶۶) در واقع منشور حمورابی بر خلاف آنچه که در مقدمه و مؤخره‌ی قانون‌نامه‌اش ذکر شده به هیچ وجه فرود آمده از طرف خداوند آفتاب و عدالت بنا به ادعای حمورابی نبوده و مطلقاً هم منبعث از فکر این پادشاه نیست بلکه اساس این منشور را مقررات سومری و اکدی و سنت‌های بازمانده از این تشکیل می‌داد و قانونی لازم‌الاحترام است اما احکام تورات هم مقرراتی لازم‌الاحترام و هم لازم‌الاجرا است (آشتیانی، ۱۳۶۴، ۳۵۶). همچنین ژان بوترو آشورشناس برجسته و سرشناس فرانسوی معتقد است که «اولاً قانون حمورابی کد نیست زیرا بسیاری مسائل در آن مطرح نشده و به اصطلاح جامعیت ندارد. ثانیاً از نظر ماهوی قانون نیست یعنی ضمانت اجرای حکومتی ندارد و در محاکم اجرا نمی‌شده است. ثالثاً هدف از تألیف این اثر انتشار یک متن قانونی و الزام‌آور نبوده، بلکه همانند دیگر رساله‌های موجود در آن زمان به دنبال بحث و آموزش نظری بوده است» (بادامچی، ۱۳۸۲، ۱۵۶).



۷- در اسفار پنج گانه، هنجارهای قانونی و اخلاقی با هیچ معیار معینی از هم متمایز نشده‌اند از اینرو هر دوی اینها از نظر حجیت و اعتبار تمیز ناپذیرند (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۱۵۷) مبنای پای بندی به نظام یهودیت این است که کل آن فرمان خداست. بین این دو نوع فرمان حتی در شکل عرضه نیز تفاوتی نیست. از باب نمونه هم در نهی از قتل عمد (خروج، ۲۰: ۱۳) و هم در امر به محبت به هممنوع (لاویان، ۱۹: ۱۸) شکل مطلق و منجز به کار رفته است. اما در قانون حمورابی قوانین از اخلاق جداگانه است و میان آنها یگانگی وجود ندارد و بیشتر قانون است تا هنجار اخلاقی.

۸- در تورات، اخلاقیات فردگرایانه جای خود را به اخلاقیات عملی داد که به قوم اسرائیل به مثابه‌ی یک وجود اخلاقی جمعی خطاب شده بود. از این رو این وجود ملی در حفظ معیارهای الزام آور رفتار سهیم شد و در صورت نقض شدن آن هنجارها به دست هر یک از شهروندان (کل قوم) ممکن بود مسئول تلقی شود. اما در قانون حمورابی هر کس در مقابل کار خودش مسئول است و هویت جمعی افراد نقش ندارد.

۹- رابطه‌ی پیمانی بین خدا و قوم اسرائیل انحصاری است، اما در قانون‌نامه‌ی حمورابی رابطه‌ی بین حمورابی با مردم بابل انحصاری نیست و قانون برای همه‌ی مردم است.

۱۰- برخی جرایمی که در قانون حمورابی مستوجب مرگ دانسته شده، نزد بنی اسرائیل این گونه نیست. قانون حمورابی جرایم علیه والدین را مستحق مجازات مرگ نمی‌داند، بر خلاف حقوق یهود که این ویژگی خاص در مجنی علیه دو جرم ساده (ضرب و جرح یا لعنت کردن) را عامل تشدید فوق‌العاده‌ی مجازات تلقی می‌کند.

۱۱- در رویکرد بنی اسرائیل، جرایم علیه افراد بیشتر از جرایم علیه اموال اهمیت دارد. اما در قانون حمورابی جرایم علیه اموال اهمیت بیشتری دارد، و جان افراد با پول ارزش گذاری می‌شود.

۱۲- احکام سفر تشیه ضمانت احکامش را نه بر قدرت پادشاهی، بلکه بر ایمان قلبی شهروندان بنا می‌نهد، مثلاً آزاد کردن برده صرفاً دستور خداوند نیست و دلیل دیگری برای پیروی دارد: «به خاطر بیاور که در سرزمین مصر برده بودی و پروردگارت تو را آزاد کرد» (کینبرگ، ۱۳۸۳، ص ۲۹) اما در قانون حمورابی ضمانت قانون‌نامه بر قدرت پادشاه متکی است و انگیزه‌ی دینی برای اجرای احکام صراحت ندارد.

۱۳- نظم و ترتیب احکام یهودیان از قانون حمورابی کمتر است و نمایانگر آن گونه تکامل تدریجی قانون حمورابی نیست که دلالت بر سابقه‌ای طولانی از تجربه‌ی قانونی می‌کند (عده‌ای از دانشمندان یونسکو، ۲۵۳۶: ۲۴۹).

۱۴- در قانون حمورابی اصل قصاص در موردی که شخص آسیب دیده از طبقه بالای جامعه باشد، اجرا می‌شود اما اگر شخص از طبقه‌ی پایین یا از بردگان باشد مجرم تنها به پرداخت جریمه مالی محکوم می‌شود اما در احکام یهود برده‌ای که بر اثر شقاوتگری صاحبش چشم یا دندانی را از دست داده باشد، رسماً آزاد می‌شود. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که در قانون حمورابی نه تنها از اصل تساوی کیفری نمی‌توان سخن گفت بلکه برعکس باید بر اصل عدم تساوی افراد در مقابل مجازات توجه داشت. با دقت در قوانین حمورابی اصل عدم تساوی در مقابل کیفر در قانون حمورابی نه تنها بین بردگان و سایرین بلکه بین دو طبقه اویلوم^۱ و مشکینوم^۲ نیز وجود داشته است. [آویلوم شامل نجبا و اشراف بابل بوده و مشکینوم شامل کارگران، کشاورزان، صنعتگران و کارگران موسمی بوده است].

۱۵- در قانون حمورابی و احکام یهود قتل عمدی با کشتن اتفاقی تفاوت دارد، اما شیوه‌ی تیرنه شدن آن‌ها با هم متفاوت است. هنگامی که دو تن با هم به منازعه بر می‌خیزند و یکی از آن دو کشته می‌شود و دیگری سوگند یاد کند که قصد کشتن نداشته در این صورت به موجب قانون یهود قاتل مجاز است به پرستشگاهی پناهنده شود (یونسکو، ۲۵۳۶: ۲۵۴). اما به موجب ماده‌ی ۲۰۶ حمورابی باید با پرداخت جریمه‌ای مالی از تعقیب جزایی مصون بماند. «اگر کسی کس دیگر را در دعوا بزند و مجروح کند آن کس سوگند می‌خورد که عمداً نزدم و هزینه پزشکی را تأدیه می‌کند» (ماده‌ی ۲۰۶ حمورابی).

۱۶- احکام تورات بیشتر ناظر به رابطه‌ی فرد و خدا است، اما قوانین حمورابی بیشتر متوجه نقض قواعدی است که به روابط انسان‌ها حاکمند.

۱۷- در شریعت یهود، زن تحقیر می‌شود. حکمای قوم یهود، دختر را همچون «کالایی» شمرده‌اند که می‌توان آن را به هنگام تنگدستی فروخت. جایگاه حقوقی زن یهودی،

1 - Awilum

2- Maushinum



برگرفته از منزلت اجتماعی وی در این آیین است. در شریعت یهود نیز اصل کلی مبتنی بر محرومیت زنان، به خصوص زوجه است. حکم مستفاد از تورات این است که تا وقتی فرزند پسر وجود داشته باشد، دختر ارث نمی‌برد و چنانچه برای متوفی پسر نباشد، ارث او به دخترانش می‌رسد. اصولاً در شریعت یهود، علت میراث چهار چیز است که عبارتند از: ۱- بنوت ۲- ابوت ۳- اخوت ۴- عمومیت. از این رو زوجیت از اسباب میراث نیست. بر این اساس، اگر زن بمیرد، شوهر از او ارث می‌برد، اما اگر شوهر بمیرد، زوجه از او ارث نمی‌برد (رضاپور، بی تا، ص ۱۰).

قانون حمورابی برای زن و فرزند حقوق بیشتری قائل شده است، مثلاً زن و دختر به طور مستقل معامله می‌کردند و زن علاوه بر جهیزیه‌ی خود، سهمی از مال شوهر متوفی به عنوان هدیه دریافت می‌کرد و دخترانی که جهیزیه گرفته‌اند، از ارث محروم می‌شدند، اما آن‌هایی که جهیزیه ندارند در بردن ارث با پسران مساویند (ماده‌ی ۱۷۲ حمورابی).

۱۸- بر خلاف بابلی‌ها که پادشاه را قائم مقام خداوند می‌پنداشتند، بنی اسرائیل چنین جایگاهی برای پادشاهان خود قائل نبودند. بابلی‌ها معتقد بودند که حمورابی جانشین خداست و قوانینش از طرف اوست اما یهودیان احکام را وحی از جانب خدا می‌دانند و هیچ‌گاه پادشاه را جانشین خدا نمی‌شمردند.

۱۹- در حقوق یهود، رسیدگی به جرایم مالی در صلاحیت دادگاه مدنی (۳ نفره) است نه دادگاه جنایی (۲۳ نفره)، اما در قانون حمورابی تفاوتی بین دادگاه‌ها نیست. حمورابی در کنار قانونگذاری در قلمرو پادشاهی خویش، بنیانگذار نظامات تازه‌ای در رسوم دادگاه‌ها نیز بود. در زمان فرمانروایی جانشینان او اختلافات میان شهروندان، در حضور قضاتی به دادرسی گذاشته می‌شد که در دروازه‌ها یا در حیاط معابد می‌نشستند. اعضای این دادگاه‌ها را نه کاهنان، بلکه صاحب منصبان محلی تشکیل می‌دادند که عبارت بودند از شهردار که ریاست مجمع ریش سفیدان را بر عهده داشت و گروه‌ها و کارمندان دیگری که شغل و مقام آن‌ها به درستی قابل شناسایی نیست (مجید زاده، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

از اسناد و مدارکی که به دست آمده بر نمی‌آید که وکیل مدافع در بابل وجود داشته باشد. کاهنان به عنوان سر دفتری کار می‌کردند و هر کس مرافعه‌ای داشت، خود به طرح دعوی در محکمه می‌پرداخت. دلایلی در دست است که در آن زمان رشوه دادن به قاضی و گواهان، برای گرفتن حکم ناحق، وجود داشته است. در شهر بابل یک محکمه‌ی



استینافی، که داوران شاهی در آن قضاوت می‌کردند تشکیل می‌شد و تفاوتی بین دادگاه‌ها نبود. از آن گذشته متدعیان می‌توانستند از خود شاه بخواهند تا به مشکیشان رسیدگی کند (دورانت، ۱۳۷۲، ص ۲۷۴).

۲۰- قانون حمورابی به صراحت به قتل عمد نپرداخته است. فقط در چند مورد قتل در حکم عمد فرض شده و مجازات قاتل را مرگ می‌داند، مثلاً «اگر معمار برای کسی خانه‌ای بسازد اما کارش را خوب انجام ندهد، (پس) خانه‌ای که ساخته است فرو بریزد و باعث مرگ صاحب‌خانه شود، آن معمار کشته خواهد شد» (ماده‌ی ۲۲۹ حمورابی) اما احکام یهود صراحتاً به قتل عمد پرداخته است.

۲۱- در قوانین تورات فقط برای تعرضات به جان و عفت افراد (مانند قتل، آدم ربایی، برخی از جرایم جنسی) مجازات اعدام بیان شده اما هیچ‌گاه در جرایم برضد اموال چنین مجازاتی لحاظ نشده، بلکه حداکثر مجازات آن پرداخت چند برابر شی دزدیده شده است. پیش فرض اساسی حقوق اشخاص در یهودیت عبارت از باور به ارزش مطلق و بی‌چون و چرای جان آدمی است. این باور بر ارزش یکسان افراد در طرح الهی آفرینش استوار است. اما در قانون حمورابی مانند مواد ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۲۱، ۲۲، ۸، بارها برای جرایم مالی مجازات اعدام منظور شده و حتی در ماده‌ی ۸ حمورابی که مجازات مالی برای سرقت در نظر گرفته شده، این مجازات بسیار شدید و نتیجه‌ی عدم پرداخت آن مرگ است. تفاوت اصلی این دو در ارزشی است که برای جان انسان قائل شده‌اند.

۲۲- در قانون حمورابی، مانند ماده‌ی ۱۱، جان افراد ارزش‌گذاری اقتصادی می‌شود و اموال را می‌توان با ملاک جان افراد محاسبه کرد و جان و مال ارزش‌های یکسانی هستند. اما در احکام تورات همبستگی بین اشخاص و اموال نیست و ارزش جان انسان و بهای اقتصادی با یکدیگر قابل قیاس نیست.

۲۳- در اسرائیل باستان مجازات قتل عمد، مرگ بود و جانشینی نداشت. قانون مقرر می‌دارد: «هیچ فدیه به عوض جان قاتلی که مستوجب قتل است مگیرید، بلکه او البته کشته شود» (اعداد، ۳۵، ص ۳۱) تنها استثنای این قاعده‌ی سخت و خشن در جایی است که قتل مباشرتاً یا با قصد صدمه زدن انجام نیافته باشد. اما در قانون حمورابی نه تنها به قتل عمد و مجازاتش تصریح نشده، بلکه مجازات قتل را می‌توان با پول پرداخت کرد، مثلاً در جایی که شخص از طبقه‌ی بالای جامعه، یعنی آملو، است قصاص را جایز می‌شمارد، ولی اگر

آن شخص از طبقه‌ی پایین یعنی موشکنوم، و یا از گروه بردگان باشد، تنها به پرداخت جریمه‌ای مالی در حق وی رأی می‌دهد. در قانون نامه حمورابی به جرایم بر ضد اشخاص، به ویژه قتل عمد، توجه چندانی نشده است. هیچ یک از مواد این قانون نامه به صراحت به قتل عمد نپرداخته است. در چند مورد عمل قتل در حکم عمد فرض شده است و مجازات قاتل مرگ است مثلاً: «اگر شخصی دختر شخص دیگری را زد و باعث شد که او سقط جنین کند او باید ده شکل نقره برای جنین او بپردازد» (قانون ۲۰۹ حمورابی) و «اگر آن زن مرد، آنان باید دختر او را به قتل برسانند» (قانون ۲۱۰ حمورابی) (سلیمانی، ۱۳۸۴، ۱۷۱).

۲۴- در قانون حمورابی جرم زناى زن شوهردار قابل گذشت است به این علت که این جرم فقط تعدی و تجاوز به حقوق شوهر است و با گذشت شوهر جرم قابل تعقیب نیست: «اگر همسر شخصی در حالی که با مرد دیگری خوابیده بود دستگیر شد، آنان باید آن‌ها را به یکدیگر بسته و به داخل آب بیندازند. اگر شوهر زن قصد داشت او را ببخشد، شاه نیز باید رعیت خود را ببخشد» (ماده‌ی ۱۲۹ حمورابی)، اما در تورات «زناى زن شوهردار گناهی بزرگ و مستوجب مرگ است و گذشت شوهر موجب عدم اجرای مجازات نیست چون این عمل گناهی نسبت به خداوند است» (پیدایش، ۹، ص ۳۹).

۲۵- در ماده‌ی ۱۱۷ حمورابی «اگر قراردادی علیه یک شخص تمام شد و او خدمت همسر، پسر یا دخترش را فروخت یا مجبور به خدمت شد، آنان باید به مدت سه سال در خانه‌ی خریدار یا متعهد کار کنند و آزادی آنان در سال چهارم تأمین می‌شود»، اما در سفر خروج باب ۲۱ آیات ۱۱-۲ و سفر تثبیه باب ۱۵ آیات ۱۲ و ۱۳، «اگر غلام عبری بخری شش سال خدمت کند و در هفتمین سال بی‌قیمت آزاد بیرون رود. اگر تنها آمده تنها بیرون رود، اما اگر با زن و فرزند آمده باشد با زن و فرزندش برود اما اگر آقايش به او زن بدهد آنگاه آن زن از آن آقايش است و اگر فرد بخواهد که همراه با زنش باشد آقايش گوش او را با درفش سوراخ کند و او آقايش را برای همیشه بندگی کند».

جدول ۲. تفاوت قانون حمورابی با احکام یهودیت

قانون حمورابی	احکام یهودیت
۱- مجازات نیابتی وجود دارد.	۱- مجازات نیابتی را رد می‌کند.
۲- اگر مرده‌ای در ملک غیر خصوصی یافت شد سه مایل از هر طرف اندازه‌گیری می‌کنند.	۲- اگر مرده‌ای در ملک غیر خصوصی یافت شد محدودیتی برای اندازه‌گیری مسافت وجود ندارد.
۳- گزاره‌های ناهی و اخباری کمتر به چشم می‌خورد.	۳- امر و نهی بسیار به چشم می‌خورد.

قانون حمورابی	احکام یهودیت
۴- قانون حمورابی مأخوذ از رویه‌ی قضایی سلطنتی است.	۴- مربوط به جامعه‌ای است که ضرورتاً پادشاه هم‌نظر نیستند.
۵- مستقلاً از طرف پادشاه صادر شده است.	۵- سند مستقل نبوده، و در معرض فرایند ویرایش بوده است
۶- اندرزهای شاهانه‌ی لازم‌الاحترام است نه لازم‌الاجرا.	۶- دستورات یهوه هم لازم‌الاحترام و هم لازم‌الاجرا است.
۷- یگانگی اخلاق و قانون وجود ندارد.	۷- یگانگی اخلاق و قانون وجود دارد.
۸- اخلاقیات فرد گرایانه است و اخلاقیات جمعی وجود ندارد.	۸- اخلاقیات فرد گرایانه جایگزین اخلاقیات جمعی شده است.
۹- رابطه‌ی بین پادشاه و مردم انحصاری نیست.	۹- رابطه‌ی پیمانی بین خدا و قوم اسرائیل انحصاری است.
۱۰- جرایم علیه والدین را مستحق مجازات مرگ نمی‌داند.	۱۰- مجازات علیه والدین را مستحق مجازات مرگ می‌داند.
۱۱- جرایم علیه اموال اهمیت بیشتری دارد.	۱۱- جرایم علیه افراد اهمیت بیشتری دارد.
۱۲- ضمانت قانون‌نامه متکی بر قدرت پادشاه است.	۱۲- ضمانت احکام بر ایمان قلبی شهروندان استوار است.
۱۳- دلالت بر سابقه‌ای طولانی از تجربه‌ی قانونی می‌کند.	۱۳- دلالت بر سابقه‌ای طولانی از تجربه‌ی قانونی نمی‌کند.
۱۴- قصاص برای آسیب دیدگان طبقه‌ی بالای جامعه اجرا می‌شد.	۱۴- اصل قصاص حتی برای بردگان اجرا می‌شد.
۱۵- در قتل غیر عمد قاتل جریمه‌ی مالی می‌پرداخت و از تعقیب مصون بود.	۱۵- در قتل غیر عمد قاتل برای فرار از تعقیب باید به پرستشگاهی پناهنده می‌شد.
۱۶- ضمانت اجرای اعدام برای نقض روابط بین انسان‌هاست.	۱۶- مجازات اعدام بیشتر برای نقض رابطه‌ی خدا و انسان است.
۱۷- برای زن و فرزندان حقوق زیادی قائل است.	۱۷- زن حقیر شمرده شده و دختران ارزش زیادی ندارند.
۱۸- حمورابی خود را قائم مقام خدا می‌داند.	۱۸- نویسندگان تورات خود را جانشین خدا نمی‌دانند.
۱۹- رسیدگی به جرایم مالی در صلاحیت یک قاضی بود.	۱۹- جرایم مالی در صلاحیت دادگاه مدنی سه نفره بود.
۲۰- به مجازات قتل عمد مستقیماً توجه نشده، فقط آن را فرض گرفته است.	۲۰- برای قتل عمد مستقیماً مجازات در نظر گرفته است.
۲۱- برای جرایم مالی حکم اعدام در نظر گرفته شده و ارزش جان افراد پایین است.	۲۱- برای جرایم مالی حکم اعدام در نظر گرفته نشده و ارزش جان افراد بالا است.
۲۲- جان افراد ارزش گذاری اقتصادی می‌شد.	۲۲- جان افراد ارزش گذاری اقتصادی نمی‌شد.

قانون حمورابی	احکام یهودیت
۲۳- می‌توان در عوض قتل عمد جریمه‌ی مالی داد.	۲۳- مجازات قتل عمد مرگ است و جانشینی ندارد.
۲۴- جرم زنا‌ی زن شوهردار با گذشت شوهر، قابل گذشت است.	۲۴- جرم زنا‌ی زن شوهردار قابل گذشت نیست.
۲۵- اگر فردی مجبور به خدمت فردی شد باید سه سال به خدمتگزاری او بپردازد.	۲۵- اگر فردی مجبور به خدمت فردی شد باید شش سال به خدمتگزاری او بپردازد.

نتیجه‌گیری

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، نظریه تدوین نهایی تورات بعد از اسارت بابلی کاملاً پذیرفتنی است، زیرا علی‌رغم اختلافاتی که بین قانون حمورابی و اسفار پنج‌گانه وجود دارد، شباهت‌های چشمگیری بین قوانین حمورابی با احکام یهودیت وجود دارد و شکل بیان احکام یهود (به صورت شرطی بودن) کاملاً یادآور قوانین حمورابی است و حتی در چندین مورد دقیقاً حکمی از تورات، همراه با نوع مجازات و شیوه اجرای آن با قانونی از حمورابی یکسان است و این اقتباسات و اشتراکات به زمانی برمی‌گردد که یهودیان به اسارت بابلی برده شدند و با قانون‌نامه‌ی حمورابی آشنا شدند و این قانون به عنوان پیش‌نمونه‌ای از احکام و قوانین آن‌ها قرار گرفت و آن را پذیرفتند و در قالب احکام حقوقی دین یهود در آوردند. مضافاً خاستگاه جغرافیایی حضرت ابراهیم «ع» نیای یهودیان، بین‌النهرین بوده و در واقع بازگشت آنان به بین‌النهرین در دوره اسارت بابلی تشابهات را افزوده است.

در قانون حمورابی و تورات از روش اوردالی به عنوان دلیل اثبات مجرمیت یا بیگناهی استفاده می‌شد. محاکمه از طریق اورادالی یا توسل به قضاوت الهی برای تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌هایی بود که از راه دیگری قابل حل و فصل نبود و نمی‌شد آن‌ها را حل نشده باقی گذاشت. ماهیت اوردالی‌ها این گونه بود که یک فرد به طور قانونی در معرض آزمایش جسمانی قرار می‌گرفت و بر اساس پاسخ بدنی او به آزمایش، برنده یا بازنده تلقی می‌شد. محاکمه از طریق اورادالی به گونه‌های بسیاری وجود داشت. متداول‌ترین آن‌ها عبارت از فرورفتن در آب، از راه نوشیدن و... است. آزمایش ایزدی (اوردالی) در روزگاران گذشته در همه جای زمین رواج داشت. داوری ایزدی نزد مردم بابل هم به نامی خوانده شده که با نهاد آن سرزمین پیوستگی دارد. واژه‌ی ایلونرو گویای دو رود دجله و



فراات بود که در آن ناحیه روان است و در آن‌ها آزمایش آب انجام می‌گرفت. ایلونرو یعنی خدای نهر و داوری خدای نهر مراد بود. در این مورد در قانون‌های ۲ و ۱۳۲ حمورابی اگر آب متهم را فرو می‌برد، گناهکار و ناپاک بود و اگر از کام امواج خروشان دجله و فرات جان سالم به در می‌برد بی‌گناهی او مشخص می‌شد. همچنین در شریعت یهود نیز در بعضی موارد مثلاً در سفر اعداد، ۲۸-۵:۲۷ داوری ایزدی (اورادالی) در شمار یکی از ادله‌های اثبات جرم می‌باشد.

اما علی‌رغم شباهت‌های قوانین حمورابی با تورات، دو ویژگی عمده به عنوان وجه تمایز قوانین یهودی مطرح می‌شود که یکی از آن‌ها مبنای اعتبار و حجیت قوانین یهودی است. در مقدمه و مؤخره‌ی قانون‌نامه‌ی حمورابی آمده است که این قوانین عدالت را حمورابی برپا داشت، اما در قوانین کتاب مقدس، حضرت موسی واسطه است نه قانون‌گذار. تفاوت آشکار دیگری که بین این دو دسته از قوانین وجود دارد این است که در قوانین تورات برای بسیاری از اعمالی که نقض حکم دینی خاصی هستند یعنی ناظر به رابطه‌ی فرد و خدایند، مجازات اعدام در نظر گرفته شده است، اما در قوانین حمورابی، ضمانت اجرا متوجه نقض قواعدی است که به روابط انسانها حاکمند.

همچنین قابل ذکر است که قانون‌نامه‌ی حمورابی نه تنها قدیمی‌ترین قانون‌نامه‌ی جهان نیست بلکه خود نیز از قوانین قدیمی‌تر از خود به نام قانون‌نامه‌های اورنمو، لپییت ایشتار و اشوننا برگرفته شده است.

البته بجز تشابه احکام یهودیت با قوانین حمورابی الواح بابلی و اسفار یهود در زمینه‌ی بعضی از اسطوره‌ها نیز مانند اسطوره‌ی آفرینش جهان، اسطوره‌ی طوفان و غیره با هم شباهت دارند. این شباهت‌ها روشن می‌سازد که ملل قدیم سامی نژاد دارای اساطیری بوده‌اند که از منبع واحد تراوش کرده، اما آیات تورات در ابواب اوایل سفر پیدایش به لطافت بیان و حسن تعبیر و انطباق آن با عقل سلیم متمایز است، در صورتی که اسطوره‌ی بابلی بسیار خشن و کودکانه و سطحی می‌باشد. در ادبیات موجود بابلی و آشوری، به حکایت طوفان برخورد می‌کنیم که با داستان طوفان موجود در تورات قابل مقایسه و تطبیق است. از این رو با وجود برخی اختلاف در مورد این که هر دو صورتی از یک حکایت می‌باشند، اتفاق نظر وجود دارد. همچنین ادبیات بابلی خدمت بزرگی به کتاب مقدس کرده و آن را قابل فهم قرار داده است. کتاب عهد عتیق تنها متنی است که در زبان عبری



قدیم به عصر ما رسیده که در آن بسیاری از کلمات نادر هستند که فقط یک یا دو بار ذکر شده‌اند و از سیاق کلام، معنای آن‌ها مفهوم نمی‌شود. ادبیات بابلی و آشوری که مشتمل بر کتیبه‌های متنوع است بیشتر به زبانی تحریر شده‌اند که مانند زبان عبری متعلق به گروه زبان‌های سامی باستانی می‌باشد. از این رو هر کلمه یا تعبیری که در تورات عبری نامفهوم مانده، غالباً بوسیله‌ی متون بابلی شرح می‌شود و مفادش فهمیده می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- افراسیابی، صابر (۱۳۸۱). «مطالعه‌ی تطبیقی مجازات‌ها در ادیان یهود، زرتشت و اسلام»، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۶۴). تحقیقی در دین یهود، تهران: شرکت انتشار.
- آشوری، محمد (۱۳۵۹). «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی». مجله حقوق تطبیقی، شماره ۷ صص ۱-۴۶، در: <http://ghavanin.ir>
- بادامچی، حسین (۱۳۸۲). آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، تهران: طرح نو.
- ----- (۱۳۹۲). قانون حمورابی، تهران: نگاه معاصر.
- پردل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۷). آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: سمت.
- رضاپور، مهتاب (بی‌تا). اثر زن در گستره‌ی تاریخ، بی‌جا.
- سلیمانی، حسین (۱۳۸۴). عدالت کیفری در آیین یهود. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۴). یهودیت، انجمن معارف اسلامی ایران.
- شی‌یرا، ادوارد (بی‌تا). الواح بابل، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران: نیویورک.
- کیپنبرگ، ه.ج. (۱۳۷۸). «قانون و تدوین قانون»، ترجمه حسین بادامچی، در تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، تهران: سمت.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم) شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید (۲۰۰۲)، انگلستان: ایلام، چاپ سوم.
- کیخسروی مقدم، باقر (۱۳۵۶). پایان‌نامه‌ی تحقیقی در قوانین حمورابی از نقطه نظر جزائی، دانشگاه تهران.
- میک، توفیل (۱۳۷۳). قانون‌نامه‌ی حمورابی، ترجمه‌ی کامیار عبدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- محمدپناه، بهنام (۱۳۸۷). اسرار تمدن‌های باستانی بین‌النهرین، تهران: سبزان.



- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶). تاریخ و تمدن بین النهرین، جلد ۲: تاریخ فرهنگی - اجتماعی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نتصر، امنون (۱۹۹۷م). سیری در تاریخ یهود ایران در پادیاوند، جلد ۱، لس آنجلس: انتشارات مزدا.
- وستبروک، ریموند (۱۳۷۸). «جرائم و مجازات‌ها در خاور نزدیک باستان»، ترجمه حسین بادامچی، در تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، تهران: سمت.
- هافنر، هری (۱۳۸۴). قوانین هیتی‌ها؛ قانون‌نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه‌ی فرناز اکبری رومنی، تهران: حقوقی.
- هوک، ساموئل هنری (۱۳۷۲). اساطیر خاورمیانه، مترجمان علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزدپور، تهران: انتشارات روشنگران.
- یکرنگی، محمد (۱۳۸۷). «جرائم علیه اجرای عدالت قضایی در تاریخ حقوق مشرق زمین»، ویژه‌نامه‌ی حقوق شهرکرد، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۲۶۹-۲۵.
- یونسکو: عده‌ای از دانشمندان جهان به سرپرستی یونسکو (۱۳۵۶). تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ویل دورانت، آریل (۱۳۷۰). تاریخ تمدن، مشرق زمین: گاهواره تمدن، ج اول، ترجمه احمد آرام و ع پاشایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.